**کلاس‌های چندپایه و نظریه‌های یادگیری**

زینب آرام فرد[[1]](#footnote-1)

سیدحشمت الله مرتضوی زاده[[2]](#footnote-2)

**چکیده**

کلاس‌های چندپایه، کلاس یا موقعیتی است که معلم به پایه‌های متعدد به طور همزمان یا جداگانه تدریس می‌کند، بنابراین انجام این عمل (تدریس) مستلزم به کارگیری اصول مربوط به نظریه‌های یادگیری (قضایای عام تبیین پدیده یادگیری) است، مقاله حاضر با هدف بررسی میزان بکارگیری اصول و مفروضات بنیادی نظریه‌های مختلف یادگیری (رفتارگرایی، شناختی و سازنده‌گرایی) در کلاس‌های چندپایه با استفاده از روش توصیفی-اسنادی به این نتایج دست یافته است؛

الف) اصول مربوط به هر سه نظریه یادگیری کم و بیش در این کلاس‌ها جهت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرد. ب) میزان بکارگیری اصول مربوط به نظریه یادگیری رفتارگرایی حداقل و اصول نظریه یادگیری سازنده‌گرایی حداکثر است. **ج)** رویکرد غالب در آموزش و یادگیری دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه با مدنظر قرار دادن میزان بکارگیری اصول این نظریه در این کلاس‌ها رویکرد سازنده‌گرایی از نوع اجتماعی است.

**کلیدواژه:** کلاس‌های چندپایه، نظریه‌های یادگیری رفتاری، شناختی، سازنده‌گرایی

**مقدمه**

کلاس‌های چندپایه به عنوان سازمانی است که دانش آموزان در سنین مختلف با هم در یک کلاس قرار دارند. برخي از معلمان چندپایه ممكن است دو پايه را درس بدهند اما برخي سه، چهار يا پنج و در برنامه درسی ملی جدید شش پايه را تدريس مي‌كنند(کوکسان[[3]](#footnote-3)، 2011 نقل از مرتضوی زاده، 1394). به عبارت دیگر کلاس چندپایه موقعیتی است که در آن یک معلم به پایه‌های متعدد به طور همزمان یا جداگانه در یک جلسه تدریس کند (مرتضوی‌زاده، 1394: 13). با توجه به روند رو به رشد مهاجرت روستاییان به شهرها و همچین کاهش نرخ رشد جمعیت در این مناطق و به حد نصاب نرسیدن تعداد دانش‌آموزان برای تشکیل کلاس‌های مستقل در مناطق یاد شده، افزایش تعداد این کلاس‌ها در آینده اجتناب‌ناپذیری خواهد بود.

با توجه به مشکلات متعدد کلاس‌های چندپایه از جمله مشکلات مربوط به معلم (کمبود وقت، کمبود اطلاعات و تجارب، استفاده از شیوه آموزش و خطا در یادگیری، بومی نبودن معلمان، سازمان‌دهی کلاس‌های چندپایه، مسئولیت‌های زیاد معلم)، مشکلات مربوط به دانش‌آموز (ضعف دانش و اطلاعات پیش‌نیاز دانش‌آموزان، نامناسب بودن ترکیب سنی و جنسی دانش‌آموزان، دو زبانه بودن دانش‌آموزان)، مشکلات مربوط به فضای مدرسه (کمبود امکانات، تجهیزات و وسایل آموزشی، کمبود فضای آموزشی،)، مشکلات مربوط به اولیاء دانش‌آموزان (عدم همکاری والدین) و مشکلات برنامه درسی(مرتضوی‌زاده، 1390: 30-20) و با مدنظر قرار دادن این موضوع که پژوهش‌های انجام شده در خصوص کلاس‌های چندپایه، اغلب ناظر بر مسائل، تنگناها و چالش‌هایی است که مسئولان نظام آموزشی کشور در اداره این کلاس‌ها با آن دست به گریبان‌اند و به آثار و مزایای مترتب بر این کلاس‌ها و نقش و تأثیر آن‌ها در تعامل‌های کلاسی بین دانش‌آموزان و تقویت بستر یادگیری آنان، چندان توجه نشده است.

مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین کلاس‌های چندپایه و نظریه‌های یادگیری درصدد این است میزان انطباق شیوه‌های آموزش و یادگیری در کلاس‌های چندپایه را با مفروضات اصلی نظریه‌های یادگیری و به عبارت دقیق‌تر میزان به کارگیری اصول نظریه‌های یادگیری را در کلاس‌های چندپایه مورد بررسی قرار دهد. بنابراین ابتدا نظریه‌های یادگیری مورد واکاوی و مفروضات بنیادی این نظریه‌ها با مرور بر مبانی تئوریک و تجربی موجود مشخص و در ادامه میزان مطابقت شیوه‌های آموزش و یادگیری در کلاس‌ها چندپایه با پیش‌فرض‌ها و اصول هر یک از این نظریه‌ها بررسی و مورد بحث قرار گرفته است.

**آموزش در کلاس‌های چندپایه**

کلاس‌های چندپایه از منظر یا زوایای متفاوت و متنوعی قابل بررسی هستند، در این مطالعه با توجه به هدف پژوهش این کلاس‌ها از منظر یادگیری و به عبارت دقیق‌تر شیوه‌های به کارگیری تدریس یا شیوه‌های پیشنهادی در جهت یادگیری دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه مورد توجه قرار گرفته‌اند:

**1)روش همیاری:** این روش بیشتر برای آموزش دروس نظری و دروسی که نیاز به حل مسأله دارند و پاسخ‌های خلاقانه را می‌طلبند، مفید است. در این روش تقسیم کار می‌شود، مواد آموزشی مورد نیاز توزیع و افراد در گروه‌های خود قرار می‌گیرند (آقازاده، 1384: 387). بنابراین در این روش دانش‌آموزان در قالب‌های گروه‌های چندنفره با همیاری همدیگر مسائل مربوط به دروس نظری و عملی را حل می‌کنند.

2)روش کتاب‌خوانی: در این روش معلم علاوه بر کتاب‌های درسی، در ساعاتی از هفته، کتاب‌های دیگری نظیر؛ کتاب‌های داستانی، علمی، تاریخی و ... را برای دانش‌آموزان روخوانی می‌کند (مرتضوی‌زاده، 1390: 39). **3)روش بازگویی:** در این روش، معلم، دانش‌آموزان را در آموختن قسمتی از محتوای کتاب چون؛ تعاریف، فرمول‌ها، اشعار و قواعد و اصطلاحات و ارائه آن در جلسه بعد یا هفته دیگر تشویق و ترغیب می‌کند (وکیلیان، 1385: 3). نقش معلم برنامه‌ریزی درس بر اساس توانایی‌های دانش‌آموزان و مشخص ساختن محتوای هر جلسه و ارائه توضیحات و راهنمایی‌های ضروری به دانش‌آموزان است. نقش دانش‌آموز، آموختن متن تعیین شده با توجه به توضیحات و راهنمایی‌های معلم و ارائه آن در وقت و شیوه معین است.

**4)نقشه مفهومی:** یکی از رویکردهای نوین آموزشی، بهره‌گیری از نقشه مفهومی در مراحل گوناگون آموزش از تهیه طرح درس، محتوا و برنامه درسی گرفته تا مرحله اجرا و ارزیابی آن است (سان[[4]](#footnote-4)، 2004 به نقل از مرتضوی‌زاده، 1390: 43). نقشه مفهومی یک نمایش گرافیکی از روابط میان عناصر گوناگون یک متن است.

**5)روش پروژه:** روش طرح یا پروژه، کار یا فعالیتی است که بر حسب طرح مشخص و هدفی معین اجرا می‌شود. یعنی دانش‌آموزان باید کار خود را در قالب فعالیت‌ها یا پروژه‌هایی که زمینه‌ساز تلاش هدفمند می‌باشند، انتخاب، طراحی و اجرا کنند (نوروزی، 1381: 182).

**6)روش هم‌شاگردی:** هم شاگردی روشی است که در آن یک دانش‌آموز به عنوان آموزش دهنده به دانش‌آموز دیگر کمک می‌کند. تا مهارتی را کسب کند یا مفهومی را بیاموزد. در واقع هم‌شاگردی یک راهکار آموزشی است که از تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر برای یادگیری یک تکلیف یا تمرین، تشکیل شده است. در این روش یکی از دانش‌آموزان در نقش معلم و دانش‌آموزان دیگر نقش یادگیرنده را ایفا می‌کنند.وظیفه یادگیرنده گوش دادن و سؤال کردن است. معلم سؤال می‌پرسد، تکلیف تعیین می‌کند یا دستورالعملی صادر می‌کند، یاد گیرنده به باید به سؤال پاسخ داده یا از دستورالعمل پیروی کند. این روش به صورت تدریس یک دانش‌آموز به گروهی از دانش‌آموزان یا تدریس فرد به فرد انجام می‌شود (مرتضوی‌زاده، 1390: 51).

**7)روش پرسش و پاسخ:** پرسش و پاسخ هم به عنوان یک روش تدریس و هم به عنوان فنی است که همراه سایر روش‌های تدریس به کار برده می‌شود. در این روش معلم، شاگرد را به تفکر درباره مفهومی جدید یا بیان مطلبی تشویق می‌کند. شاگرد تلاش می‌کند با مراجعه به معلومات و اطلاعات پیشین خود پاسخ سوال‌های خود را پیدا کند.

**8)روش ایفای نقش:** ایفای نقش روشی است که بر تجسم عینی موضوعات و درس‌هایی که برای نمایش‌نامه مناسب هستند به کار می‌رود و به مهارت‌های خاص هنری مانند بازیگری در تئاتر و سینما نیازی ندارد، بلکه معلم بنا به موقیعت، هدف و موضوع موردنظر به عنوان یک روش از آن استفاده می‌کند (شعبانی، 1386: 268).ایفای نقش هم به عنوان یک الگو و هم به عنوان یک روش پذیرفته شده است. معلم پس از تعیین موضوع تدریس، سناریوی نمایش را برای اجرای طراحی می‌کند و به کمک دانش‌آموزان شرایط و وسایل لازم را فراهم می‌کند، آنگاه از دانش‌آموز می‌خواهد تا به طور داوطلب یا انتخابی نقش خود را تعیین کند. دانش‌آموزان در ایفای نقش، با نمایش موضوعات از قبل تعیین‌شده زمینه بحث و گفت و گو در کلاس درس را فراهم می‌کنند.

**9)روش نمایشی:** در این روش معلم طرز کاربرد وسیله‌ای یا چگونگی شناختن شئی یا روش انجام یک آزمایش و ... را عملاً در برابر چشمان دانش‌آموزان انجام می‌دهد. گاهی معلم هنگام نمایش دادن آن وسیله یا مهارت توضیح می‌دهد، سؤال می‌کند؛ دانش‌آموزان را به تفکر درباره آن موضوع تشویق می‌کند. دانش‌آموزان باید ارتباط بین آنچه را که معلم انجام می‌دهد و آنچه را که خود باید انجام دهند درک کنند. در پایان تدریس، دانش‌آموزان باید به صورت فردی یا گروهی در حضور معلم آن عمل یا مهارت را تکرار کنند. معلم بر کار آنها نظارت و اشکالات آنها را برطرف می‌نماید.

**10)آموزش متقابل:** به اعتقاد سیف (1386) روش آموزش متقابل یا آموزش دوجانیه به صورت گروهی اجرا می‌شود، در این روش معلم و دو تا چهار نفر از دانش‌آموزان یک گروه را تشکیل می‌دهند. معلم قبل از اجرای این روش باید چهار راهبرد؛ سؤال کردن، خلاصه کردن، توضیح دادن و روشن ساختن نکات پیچیده را آموزش دهد. در هر گروه نخست هر فرد، قسمتی از یک متن را به صورت جداگانه مطالعه می‌کند؛ سپس راهبردهای فوق را پیاده می‌کند.

**11)روش گردش علمی:** گردش علمی یا فعالیت تجربی خارج از مدرسه و کلاس درس گامی برای مطالعه جامعه است که با توجه به هدف‌های معین آموزشی، از طرف معلم و دانش‌آموز طراحی و تنظیم می‌شود (شعبانی، 1386: 270). این روش شامل مطالعات مستقیم و دست اول درباره یک مسأله، جمع‌آوری اطلاعات با مشاده، پرسشنامه، مصاحبه، اندازه‌گیری، نمونه‌برداری و سایر فنون تحقیقی است (صفوی، 1385: 164).

**12)روش اعضای تیم:** روش اعضای تیم این امکان را می‌دهد که مقدار زیادی از موضوع درسی طی یک دوره کوتاه زمانی با مطالعه تیم تحت پوشش قرار گیرد (حایری‌زاده، 1383: 41). در این روش دانش‌آموزان نقش معلم را ایفا می‌کنند و تدریس توسط اعضای تیم انجام می‌شود و در پایان در صورت لزوم معلم توضیحات ضروری و تکمیلی را برای آنان ارائه می‌دهد.

**13)روش بارش مغزی:** بارش مغزی عبارت است از تراوشات آنی و خود به خودی ذهن، درباره موضوعی که مورد علاقه و نیاز افراد است و آنان می‌خواهند درباره آن تصمیم بگیرند یا برای آن راه‌حل‌های مناسبی بیابند (صفوی، 1385: 178). در این روش ایده‌های دانش‌آموزان در خصوص موضوع مورد بحث ارائه و بلافاصله یادداشت می‌شود و در معرض دید سایر اعضای گروه قرار می‌گیرد. اعضای گروه می‌توانند علاوه بر ارائه پیشنهاد نسبت به بهبود پیشنهاد اولیه خود، اقدام کنند و بدین طریق ایده‌هایی که بدون دقت عرضه شده بودند، بازبینی و در صورت لزوم تغییر یا تکمیل شوند. بنابراین در یک جمع‌بندی از شیوه‌های آموزش و تدریس در کلاس‌های چندپایه می‌توان گفت طیف وسیعی از شیوه‌های تدریس و یادگیری در این کلاس‌ها در حال اجرا هستند و یا اینکه قابلیت اجرا دارند، که هر کدام از جایگاه خاصی در یادگیری دانش‌آموزان در این کلاس‌های برخوردارند و لزوم توجه به آنها در این کلاس‌ها حائز اهمیت است.

**نظریه‌های یادگیری**

یادگیری از معدود زمینه‌های و محورهای موضوعی روان‌شناسی است که اندک زمانی پس از استقلال یافتن روان‌شناسی به عنوان یک نظام علمی، پای گرفت و تاکنون در گسترش دانش روان‌شناسی نقش بزرگی ایفا کرده است. یادگیری نه تنها به عنوان یک زمینه علمی به خودی خود حائز اهمیت است بلکه از آن جا که در برخی از رشته‌ها، صاحب‌نظران، آن را از جمله حوزه‌های مورد نیاز برای شناسایی مسائل مورد بحث می‌دانند، همواره مورد توجه روان‌شناسان بوده و همه نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران روان‌شناسی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، آن را از جمله موضوع‌های مهم به حساب آورده و درباره آن به پژوهش پرداخته‌اند. آموزش و پرورش به هر شکل که انجام گیرد، بر یادگیری مبتنی است. بدین لحاظ، وقتی در آموزش مدرسه‌ای از روش‌های تدریس سخن به میان می‌آید و معلمی به دنبال آن است که بداند موضوع خاصی را چگونه باید تدریس کند، ناگزیر است به روان‌شناسی یادگیری و نظریه‌های آن مراجعه کرده، نحوه یادگیری متناسب با هر یک از دانش‌آموزان را مورد مطالعه قرار دهد. این امر از آن جا ناشی می‌شود که روش تدریس تابع روش یا شیوه یادگیری است. پژوهش‌گران عرصه روان‌شناسی تربیتی، یادگیری را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند و یافته‌های آنان در توجیه و تبیین پدیده یادگیری به نظریه‌های متفاوتی انجامیده است. این نظریه‌های هر یک می‌تواند مبین اصول، قوانین و شرایطی خاص برای کاربرد در کلاس درس باشد. با عنایت به تنوع نظریه‌های یادگیری و مروری بر مبانی تئوریک و تجربی مرتبط با این نظریه‌ها می‌توان این نظریه‌ها را به سه دسته اصلی (رفتارگرایی، شناخت‌گرایی و سازنده‌گرایی) تقسیم کرد، در این بخش ابتدا مفروضات بنیادی و الزامات روشی این نظریه‌ها مطرح و در ادامه میزان بکارگیری هر یک از این نظریه‌ها در کلاس‌های چندپایه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است:

**نظریه‌های یادگیری رفتاری[[5]](#footnote-5):** این نظریه از رویکرد رفتارگرایی[[6]](#footnote-6) سرچشمه می‌گیرند. رفتارگرایی جنبشی در روان‌شناسی و فلسفه است که بر روی جنبه‌های بیرونی و آشکار رفتار فرد تأکید می‌کند و با فرایندهای ذهنی سر و کار ندارد. رفتارگرایان معتقدند که محرک‌ها و پاسخ‌ها تنها جنبه‌های رفتار هستندکه آن‌ها را می‌توان به طور مستقیم مشاهده کرد، بنابراین آنها متغیرهای عینی هستند که می‌توانند در ایجاد علم رفتار به کار گرفته شوند (حقانی و معصومی، 1389: 1189). بنابراین از نظر آنها افکار، احساسات، انگیزه‌ها و فرایندهای ذهنی، موضوعات مناسبی برای علم رفتار نیستند زیرا آنها را نمی‌توان به طور مستقیم مشاهده کرد (همان، 1190). فلسفه این رویکرد عینیت‌گرایی[[7]](#footnote-7) است. بر اساس فلسفه عینیت‌گرایی، مفاهیم و جلوه‌های محیط اجتماعی واقعیت عینی دارند و مستقل از افرادی هستند که آنها را به وجود آورده‌اند یا آنها را مورد مشاهده قرار داده‌اند.

**مفاهیم اساسی نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی:**

1- یادگیری هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد، پیامدهای رفتار خود را تجربه کند.

2- آزمون و خطا، می‌تواند بخشی از این یادگیری به حساب آید.

3- همه رفتارها آموختنی هستند و هر نوع یادگیری، تغییر قابل مشاهده در رفتار فرد به وجود می‌آورد.

4- بر طبق نظر رفتارگرایان افراطی، فقط آنچه را بتوان اندازه‌گیری کرد، می‌تواند یادگیری محسوب شود.

5- محیط باعث شکل‌گیری رفتار می‌شود.

6- در فرآیند یادگیری، تقویت یک امر حیاتی محسوب می‌شود (میرزابیگی، 1389). رفتارگرایان به تأثیر محیط بر رفتار انسان خیلی تأکید می‌کنند به طوری که «انسان همانند ماشینی در نظر گرفته می‌شود که فرمان آن دست محیط است و هر سو که محیط بخواهد، رفتار را به آن سمت خواهد راند». به همین خاطر، فراگیر حالت منفعل دارد.

**نظریه‌های یادگیری شناختی[[8]](#footnote-8):** بر خلاف رفتارگرایان که با فرایندهای ذهنی سر و کار نداشتند، شناخت‌گرایان بر فرایندهای ذهنی غیرقابل مشاهده‌ای تأکید می‌کنند که افراد برای یاد گرفتن و یادآوری اطلاعات یا مهارت‌های جدید به کار می‌برند (حقانی و معصومی، 1389: 1192). آن‌ها بر این باورند که یادگیری، فرایندی درونی است که ممکن است به صورت تغییر فوری در رفتار آشکار، ظاهر نشود (سیف، 1386). موضوع روان‌شناختی شناختی، فعالیت‌های ذهنی یا فکری انسان است. به عبارت دیگر، موضوع این علم فرآیندهایی است که از طریق آن، انواع اطلاعات ورودی (درون‌داده‌ها) به مغز دچار دگرگونی، کاستی، افزایش یا بسط گردیده، ذخیره و بازیابی شده و مورد استفاده‌های مختلف قرار می‌گیرد. این فرایندها شامل عناوینی از قبیل ادراک، بازشناسی الگو، حافظه، یادگیری و زبان نیز می‌شود. فرایندهای عالی‌تر ذهنی مثل تفکر انتقادی، حل مسأله و تصمیم‌گیری در این رویکرد مورد تحلیل قرار می‌گیرند (حقانی و معصومی، 1389: 1192).مفاهیم اساسی نظریه یادگیری شناختی؛ 1- تأکید بر فرآیندهای ذهنی غیرقابل مشاهده در امر یادگیری

2- اعتقاد به درونی بودن فرآیند یادگیری، که ممکن است به صورت تغییر فوری در رفتار ظاهر نشود.

3- تأکید بر معنادار بودن یادگیری و شیوه‌های سامان‌دهی و سازمان‌دهی ذهن

4- تحلیل فرایندهای عالی ذهنی مثل تفکر انتقادی، حل مسأله و تصمیم‌گیری**.**

**نظریه‌های یادگیری سازنده‌گرایی[[9]](#footnote-9):** سازنده‌گرایی از نظریه‌های جدید و منحصر به فرد یادگیری است. سازنده‌گرایی از نظر فلسفی در نقطه مقابل رفتارگرایی و شناخت‌گرایی قرار دارد که هر دو دارای زیربناهای فلسفی عینیت‌گرایی هستند. عینیت‌گراها معتقدند که واقعیت خارج از ذهن وجود حقیقی دارد و هدف آموزش، انتقال ساختار این واقعیت به ذهن فراگیر است (سیف، 1380). در مقابل، فلسفه زیربنایی سازنده‌گرایی، نسبیت‌گرایی است. بر طبق این فلسفه، واقعیت روان‌شناختی و اجتماعی ساخته می‌شوند و اینکه افراد مختلف آن را به شیوه‌ای متفاوت می‌سازند (9). در حقیقت نسبیت‌گرایان، به بود یا نبود واقعیت هستی خارج از ذهن کاری ندارند (نه آن را نفی می‌کنند و نه اثبات)، بلکه واقعیت روان‌شناختی را، برداشت انسان از محیط می‌دانند (سیف، 1380). مفروضات اساسی سازنده‌گرایان مواردی به شرح زیر است:

1- افراد به جای ثبت کردن آنچه که مطالعه می‌کنند، آن را می‌سازند.

2- فرایند ساختن‌های دانش هم در محیط‌های طبیعی و هم در تجربیات یادگیری رسمی رخ می‌دهد.

3- محصولات ساختن دانش، فهم‌هایی خواهد بود که در افراد به وجود می‌آید.

4- تعامل با دیگران بر فرایند ساختن فهم کمک می‌کند (فردانش و شیخی فینی، 1381).

5- دانش از تجربه ساخته می‌شود.

6- یادگیری، فرایند تفسیر شخصی از جهان است.

7- دانش، فعالانه و با تفکر فراگیر ساخته می‌شود.

**کلاس‌های چندپایه و نظریه‌های یادگیری**

در این قسمت میزان انطباق شیوه‌های یادگیری در کلاس‌های چندپایه با هر یک از نظریه‌های یادگیری یا به عبارت دیگر میزان بکارگیری اصول و مفروضات هر یک از نظریه‌های یادگیری در کلاس‌های چندپایه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است:

**کلاس‌های چندپایه و نظریه یادگیری رفتارگرایی:** با مدنظر قرار دادن مفاهیم اساسی نظریه‌های یادگیری و همچنین شیوه‌های تدریس و به عبارتی یادگیری در کلاس‌های چندپایه می‌توان گفت برخی از اصول و مفاهیم نظریه یادگیری رفتارگرایی در کلاس‌های چندپایه استفاده و به عبارتی از این اصول در شیوه‌های تدریس در این کلاس‌ها استفاده می‌شود؛

1- در روش بازگویی این اصل از نظریه رفتارگرایی که در فرآیند یادگیری، تقویت یک امر حیاتی محسوب می‌شود، به کار برده می‌شود.

2- در همین روش اصل دیگری از نظریه یادگیری رفتارگرایی با این مضمون که یادگیری هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد، پیامدهای رفتار خود را تجربه کند، مدنظر قرار گرفته می‌شود. با این حال در مجموع می‌توان گفت پیش‌فرض‌ها، اصول و مفاهیم مربوط به نظریه یادگیری رفتارگرایی به میزان کمی در کلاش‌های چندپایه با توجه به شیوه‌های تدریس در این کلاس‌ها اجرا و به کار گرفته می‌شود، در نتیجه میزان انطباق شیوه‌های یادگیری در کلاس‌های چندپایه انطباق کمی با مفروضات بنیادی این نظریه دارد.

از نظر رفتارگرایان، یادگیری به معنی تغییر در شکل یا فراوانی رفتار است. در این رویکرد رفتارهای یادگیرنده مورد سنجش قرار می‌گیرد تا زمان مناسب برای شروع آموزش مشخص شود. یادگیری مستلزم تنظیم محرک‌های محیطی است تا یادگیرنده بتواند پاسخ‌های مناسب را از خود بروز دهد و آن پاسخ‌ها را تقویت کند (کدیور، 1392: 16).

هدف از آموزش در رفتارگرایی این است که فرد به درستی به محرک‌ها پاسخ دهد. این آموزش مستلزم تقسیم مطالب درسی به بخش‌های کوچکی است که می‌توان به ترتیب بر آن‌ها تسلط یافت. در کلاس‌های چندپایه، معلم در هر جلسه یک طرح درس برای کلیه پایه‌ها طراحی و اجرا می‌کند به گونه‌ای که مواد درسی همه پایه‌ها دیده شوند زیرا در هرجلسه مطالب را به قسمت‌های کوچکی تقسیم می‌کند تا به بهترین شکل ممکن از زمان در دسترس استفاده نماید.

در کلاس‌های چندپایه دانش آموزانی که فعالیت چندانی از خود نشان نمی‌دهند در کنار دانش آموزان فعال یاد می‌گیرند که چگونه فعال باشند. استفاده معلم از تقویت کننده‌ها در کلاس چندپایه نشان دهنده میزان تأثیرپذیری آموزش چندپایه از نظریه رفتارگرایی است.

**کلاس‌های چندپایه و نظریه یادگیری شناختی:** در خصوص میزان انطباق شیوه یادگیری در کلاس‌های چندپایه با نظریه یادگیری شناختی و به عبارت دقیق‌تر بکارگیری اصول نظریه یادگیری شناختی در کلاس‌های چندپایه با توجه به مفاهیم اساسی این نظریه و همچنین شیوه‌های یادگیری در کلاس‌هاس چندپایه باید گفت؛

1-در روش همیاری آنچه که تحت عنوان تحلیل فرایندهای عالی ذهن (حل مسأله، تصمیم‌گیری و..) در نظریه یادگیری شناختی تحلیل می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

2- در روش پرسش و پاسخ اصل تأکید نظریه یادگیری شناختی بر ذهنی بودن فرآیند یادگیری بکار برده می‌شود، به این معنا که در این روش با بکارگیری تفهم در خصوص مفاهیم به نوعی ذهنی بودن فرآیند یادگیری مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد.

3- در روش نمایشی نیز اصل تفکر و سامان‌دهی ذهن در خصوص موضوعات و مفاهیم که در نظریه یادگیری شناختی بر آن تأکید می‌شود اجرا می‌گردد. در نتیجه با توجه به مباحث بالا می‌توان گفت برخی از اصول و مفاهیم نظریه یادگیری شناختی در شیوه‌های تدریس و یادگیری در کلاس‌های چندپایه مورد تأکید و به اجرا گذاشته می‌شود.

**روان شناسان شناختی اجتماعی معتقدند که افراد با مشاهدهٔ دیگران، اطلاعات، قوانین، مهارت‌ها، راهبردها، باورها و نگرش‌ها را کسب می‌کنند (کدیور، 1392). یکی از روش‌های تغییر رفتار اصل سرمش گیری است، در کلاس‌های چندپایه با استفاده روش هم آموزی[[10]](#footnote-10) دانش آموزان پایه‌های مختلف به آموزش همدیگر می‌پردازند و دانش آموزان توانمند الگوی مناسبی برای سایر دانش آموزان است به همین جهت این کلاس‌ها تا حدود زیادی از نظریه شناختی اجتماعی تاثیرپذیرند.**

**کلاس‌های چندپایه و نظریه یادگیری سازنده‌گرایی:** در نهایت اینکه در ارتباط با میزان بکارگیری اصول و مفروضات نظریه یادگیری سازنده‌گرایی در کلاس‌های چندپایه و به عبارتی تطابق شیوه‌های تدریس در کلاس‌های چندپایه با مفاهیم و اصول اساسی نظریه یادگیری می‌توان گفت:

1- در روش پروژه اصل تأکید نظریه سازنده‌گرایی بر ساخت دانش در محیط‌های طبیعی و تجربیات یادگیری رسمی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد.

2- در روش آموزش متقابل کلاس‌های چندپایه به نوعی اصل تعامل با دیگران بر فرایند ساختن فهم نظریه یادگیری سازنده‌گرایی به اجرا گذاشته می‌شود.

3- در روش گردش علمی اصل ساخت دانش از تجربه مورد تأکید در نظریه یادگیری سازنده‌گرایی رعایت می‌شود.

4- در روش بارش مغزی این اصل مورد تأکید نظریه یادگیری سازنده‌گرایی که یادگیری، فرایند تفسیر شخصی از جهان است به اجرا گذاشته می‌شود. بنابراین با مدنظر قرار دادن میزان بکارگیری اصول نظریه یادگیری سازنده‌گرایی در کلاس‌های چندپایه می‌توان گفت انطباق شیوه‌ها یادگیری در کلاس‌های چندپایه با نظریه یادگیری سازنده‌گرایی به نسبت بیشتر از سایر نظریه‌ها یادگیری است.

اساس معرفت شناسی کلاس‌های چندپایه ریشه در نظریه سازنده گرایی[[11]](#footnote-11) اجتماعی دارد، زیرا این کلاس‌ها، دانش آموزمحورند و فرصت-هایی را برای یادگیری اکتشافی، حل مسأله و مشارکت با هم دیگر فراهم می‌کنند. اصل دانش آموز محور بودن در تدریس چندپایه، روح وابستگی میان گروهی را در دانش‌آموز به وجود می‌آورد. این وابستگی متقابل مفهوم مسئولیت مشترک را در میان دانش آموزان تقویت می‌کند و روح همیاری را پرورش می‌دهد (برون[[12]](#footnote-12)، 2010 نقل از مرتضوی زاده، 1394).

سازنده گرایی اجتماعی می‌گوید دانش در یک بافت اجنماعی وجود دارد و در میان افراد مشترک است. ابزار اصلی ساختن دانش، تعامل بین یادگیرنده و محیط اجتماعی اوست. محیط اجتماعی می‌تواند معلم، پدر، مادر، خواهر، برادر یا دوستان و همکلاسی‌ها باشند. این نوع سازنده گرایی از نظریه تحول شناختی ویگوتسکی سر برآورده اما از اندیشه‌های برونر و جان دیویی نیز تأثیر پذیرفته است. ویگوتسکی می‌گفت، هرچند که یادگیری در درون یادگیرنده صورت می‌پذیرد، اما حاصل تعامل اجتماعی است و معنی از طریق ایجاد ارتباط، فعالیت و تعامل با دیگران ساخته می‌شود (سیف، 1392).

**بحث و نتیجه‌گیری**

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین کلاس‌های چندپایه و نظریه‌های یادگیری (رفتارگرایی، شاختی و سازنده‌گرایی) از منظر میزان انطباق شیوه‌های یادگیری کلاس‌های چندپایه با اصول و مفروضات بنیادی نظریه‌های یادگیری و یا به عبارت دقیق‌تر میزان بکارگیری اصول نظریه‌های یادگیری در شیوهای تدریس در کلاس‌های چندپایه به انجام رسید، با مرور مبانی نظری و تجربی مرتبط با کلاس‌های چندپایه مهم‌ترین شیوه‌های تدریس بکارگرفته در این کلاس‌ها یا شیوه‌های پیشنهادی جهت بکارگیری در این کلاس‌ها به این شرح است؛ روش همیاری، کتاب‌خوانی، بازگویی، نقشه مفهومی، روش پروژه، هم‌شاگردی، پرسش و پاسخ، ایفای نقش، روش نمایشی، آموزش متقابل، روش گردش علمی، روش اعضای تیم، روش بارش مغزی. با بررسی جزئیات مربوط به این روش‌ها و همچنین مدنظر قرار دادن مهم‌ترین اصول و مفاهیم اساسی مورد تأکید در هر یک از نظریه‌های یادگیری می‌توان گفت:

**الف)** روش بازگویی مورد استفاده در کلاس‌های چندپایه بیشتر با نظریه یادگیری رفتارگرایی و به صورت دقیق‌تر با دو اصل مورد تأکید در این نظریه (نقش تقویت و تجربه پیامدهای رفتار در یادگیری) مطابقت دارد. **ب)** روش همیاری، پرسش و پاسخ و نمایشی مورد استفاده در کلاس‌های چندپایه به ترتیب با اصول تحلیل فرآیندهای عالی ذهن، ذهنی بودن فرآیند یادگیری و اصل تفکر و سامان‌دهی ذهن مورد تأکید در نظریه یادگیری شناختی در تطابق است.

**ج)** روش پروژه، آموزش متقابل، گردش علمی، بارش مغزی مورد استفاده در کلاس‌های چندپایه به ترتیب با اصول ساخت دانش، تعامل با دیگران در فرآیند ساختن فهم، ساخت دانش از تجربه و یادگیری فرایند تفسیر شخصی از جهان است مطابقت دارد. بنابراین با مدنظر قرار دادن میزان تطابق روش‌های تدریس و یادگیری در کلاس‌های چندپایه با اصول و مفروضات بنیادی نظریه‌های یادگیری مورد بحث در این مطالعه (رفتارگرایی، شناختی و سازنده‌گرایی) که در بالا به آن‌ها اشاره شد می‌توان گفت از اصول هر سه نظریه فوق در کلاس‌های چندپایه استفاده می‌گردد، ولی با مقایسه میزان بکارگیری اصول این نظریه‌ها در این کلاس‌ها می‌توان نتیجه گرفت که اصول مربوط به نظریه یادگیری رفتارگرایی به میزان کمتر و اصول مربوط به نظریه یادگیری سازنده‌گرایی به میزان بیش تری در این کلاس‌ها جهت یادگیری دانش‌آموزان استفاده می‌شود، در نتیجه با استناد به مباحث بالا می‌توان اظهار کرد رویکرد غالب در کلاس‌های چندپایه جهت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان رویکرد سازنده‌گرایی از نوع اجتماعی است.

**منابع**

* حقانی، فریبا و رسول معصومی (1389). «مروری بر نظریه‌های یادگیری و کاربرد آنها در

آموزش پزشکی». **مجله آموزش در علوم پزشکی (ویژه‌نامه توسعه آموزش)**. دوره 10،

شماره 5: 1197 - 1188

* سیف، علی‌اکبر (1386). **روان‌شناسی پرورشی نوین**، تهران: آگاه.
* شعبانی، حسن (1386). **مهارت‌های آموزشی و پرورشی**، تهران: سمت
* عابدی، احمد و همکاران (1384). «بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان با

نظریه‌های یادگیری و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرآیند تدریس». **دانشور رفتار (دو ماهنامه**

**علمی – پژوهشی دانشگاه شاهد)**. شماره 15: 74 – 63

* عارفی، محبوبه و همکاران (1388). «دانش نظری و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی

از نظریه یادگیری: معلمان دوره ابتدایی شهر همدان». **فصلنامه نوآوری آموزشی**، شماره 30:

52 – 31

* کدیور، پروین. (1392). روانشناسی یادگیری. تهران: انتشارات سمت.
* فتحی‌نیا، محمد (1386). «بررسی میزان توجه به کاربردهای آموزشی نظریه‌های یادگیری در

فیلم‌های آموزش ریاضی مقطع ابتدایی». **فصلنامه نوآوری‌های آموزشی**، شماره 16: 118-

97

* فردانش، هاشم و علی‌اکبر شیخی فینی (1381). «درآمدی بر سازنده‌گرایی در روان‌شناسی و

علوم تربیتی». **فصلنامه علمی – پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)**. سال دوازدهم، شماره 42: 145 - 125

* مرتضوی‌زاده، سید حشمت‌الله .(1390). **راهنمای تدریس در کلاس‌های چندپایه**، تهران:

عابد.

* مرتضوی‌زاده، سید حشمت‌الله .(1394). مدیریت و برنامه ریزی در کلاس‌های چندپایه.

تهران: انتشارات کورش چاپ

* میرزابیگی، علی (1389). **برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت**

**نیرونی انسانی**، تهران: یسطرون

* نامداری پژمان، مهدی؛ کریمیان، حیدر و هیمن رحیمی (1394). «مطالعه تطبیقی کاربست

نظریه‌های یادگیری در فرآیند آموزش و ارتباط آن با نمره کاربرد ریاضی در کشورهای

اسلامی». **پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**، سال دوازدهم، شماره 18 (پیاپی 45): 118 – 108

1. - دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، پردیس دخترانه کوثریاسوج [↑](#footnote-ref-1)
2. 2. عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس کوثر یاسوج [↑](#footnote-ref-2)
3. . **Coskun** [↑](#footnote-ref-3)
4. 1. San [↑](#footnote-ref-4)
5. - Behavioral Learning Theories [↑](#footnote-ref-5)
6. - Behaviorism [↑](#footnote-ref-6)
7. - Objectivism [↑](#footnote-ref-7)
8. - Cognitive Learning Theories [↑](#footnote-ref-8)
9. - Constructivism Learning Theories [↑](#footnote-ref-9)
10. . peer tutoring [↑](#footnote-ref-10)
11. 1. constructivism [↑](#footnote-ref-11)
12. . **Brown** [↑](#footnote-ref-12)